



ایران

فرهنگی

• سال بیست و نهم • شماره ۸۱۸۶
• چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۲۶ شوال
• Wednesday 17 May 2023 • Vol 8186



برای مطالعه متن کامل این خبر و سایر اخبار به این نشانی مراجعه کنید

تیرها

فواید و آثار کتابخوانی بر فرهنگ عمومی



۲۱

کتابی برای آشنایی با تاریخچه و ماهیت سازمان مجاهدین خلق

حرکت در جهنم

کشف رازها و ناگفته‌های سازمان مجاهدین خلق، بویژه در دوران تأسیس و تطور پیش از انقلاب، از جذاب‌ترین مباحث تاریخ معاصر است و همین جذابیت باعث شده تا «حرکت در جهنم» به نیت بهشت» یکی از مهم‌ترین آثاری لقب بگیرد که انتشارات ایران آن را در حوزه تاریخ معاصر ایران منتشر کرده است.

۲۲

آنها هنوز در



۲۳

از دفتر خاطرات یک کتابخوان مستقر در نمایشگاه ۵۰

لیست‌هایی

برای خریدن

۴ جمله معروفی را که قبل از هر خریدی بالاخره یک نفر به آدم یادآور می‌شود حتماً شنیده‌اید: «یک لیست از نیازهای تهیه کن»، «یک لیست از نیازهای خرید محتویات لیستت برو»، «مغازه‌های چپ و راست را نگاه نکن» و «بلافاصله بعد از خرید برگرد خانه».

۲۱

نگاهی به کتاب مادر «ایران»

روایت استقلال یک

مادر شهید



۲۱



سیدزهریر مجاهد به بهانه انتشار کتاب «دوربرگردان»، از فرمانده بنام فاطمیون و دغدغه‌های مهاجران افغانستانی می‌گوید

روایت زندگی سربازی که سرباز شد

دوربرگردان

روایت زندگی سربازی که سرباز شد

سیدزهریر مجاهد

+ هم برای سلیمان دغدغه بود که چرا فقط چهره مهاجران منفی رسانه‌ای می‌شود، هم برای من نویسنده و همین‌طور برای همه مهاجران افغانستانی که مقیم ایران هستند. اگر از یک مهاجر بپرسید دهه هفتاد چگونه بر شما گذشت و به چه شکلی به جامعه ایرانی معرفی شدید، بخشی از نوشته‌های صفحات «دوربرگردان» را برای شما تعریف خواننده کرد...

+ تمام خواسته قلبی و تلاش من این است که بتوانم همه آنهایی را که بر مباحث نژادی تأکید دارند و بین قومیت‌ها یا ملل مختلف مرز کشیده‌اند به یکدیگر نزدیک کنم. متأسفانه در دنیایی به سر می‌بریم که به سمت مرکز کشی پیش می‌رود و شاهد خط‌کشی‌های مختلفی میان نژادها، مذاهب و باورها هستیم. یکی از نتایجش نیز همین صف‌کشی‌هایی است که بخشی از آن را در سوریه دیدیم

گفت‌وگو

مریم شهبازی

روزنامه‌نگار



بسیاری از نویسندگان دفاع

مقدس

و حوزه

پایداری

درباره

افرادی

می‌نویسند

که همه‌شان

حداقل یک

سر و گردن

از جامعه و

جووانان بالاتر

هستند؛

رزمندگان‌هایی

که اهل راز و

نیاز و عبادت

بوده‌اند و...

در صورتی

که واقعیت

چیز دیگری

می‌گوید

«دوربرگردان» ماجرای است از کوچ‌سوی کوچ‌های گلشهر مشهد؛ از آن پسرریچه‌ای که برجسب‌های مهاجرتی به مدرسه راهش نداد و شد لات و چاقو کشی که فقط آوازهای وحشت انداختن بر دل ساکنان محله‌ای کلیت می‌کرد، اما یک پیش نهاد او را راهی قطاری کرد که قرار بود مسافرانش بروند تا دست داعش را از منطقه کوتاه کنند. عبدالصمد علی‌زاده که بین هم‌محله‌ای‌ها به «ملای کاشانی» شهره بود، خیلی اتفاقی رفت خط مقدم. برای آنکه نگویند کم آورده. سلاح به دست گرفت و در مسیری قدم گذاشت که با گذشته تاریکش هیچ سنخیتی نداشت. عوض شد، تا آنجا که فرماندهی عملیات‌های مهمی را در سوریه به دست گرفت و در کسوت یکی از چند فرمانده اصلی فاطمیون پای میز نشست که در نیم‌متری سردار قاسم سلیمانی، درباره چگونگی شکست تکفیری‌ها حرف می‌زد. حالا به جای ملای کاشانی، آن پسر خلافت‌سال‌ها ای نه‌چندان دور به یکی از رزمندگان بنام در جنگ با داعش تبدیل شده؛ قهرمانی که درباره رشادتهای او داستان‌ها می‌گویند و شاید اگر حمایتی صورت بگیرد، فیلم داستانی‌اش هم ساخته شود. در گپ‌وگفت امروزمان با سیدزهریر مجاهد، مستندساز و نویسنده «دوربرگردان» نکاتی را درباره زندگی فرمانده سلیمان می‌خوانیم و نگاهی نیز به حدود چهل‌وپنج سال وضعیت مهاجران افغانستانی در ایران خواهیم داشت.



سلیمان از آن نام‌های

مشهور در

سوریه و

منطقه نبرد

با تکفیری‌ها

است. طی

عملیات‌های

مختلف

زیادی

کسب کرد

که هر کدام

سوره‌ای

خاص

هستند،

ضمن آنکه

به قول شما

گذشته

متفاوتی

داشته که

می‌کشید

است آن را

مخفی کنید!

آنها یکی از اسم و رسمی دارند، شبیه همین مردم عادی بوده‌اند، در همین کوچه‌هایی بازی کرده‌اند و دیده‌اند که زندگی من و شما در آن گذشته است. منتهی در برهه‌ای از زندگی‌شان در شرایطی قرار می‌گیرند که مسیر رشد و تعالی را پیدا می‌کنند و نقاط مثبت باقی‌رواح‌شان، بالفعل می‌شود.

چرا سلیمان؟

از همان دیدار نخست تحت نظرش گرفتم. شخصیت خاص و زندگی پرفراز و نشیب‌اش توجهم را جلب کرد. وقتی دست به کار جست‌وجو درباره سلیمان زدم، اوج محبوبیت این فرمانده افغانستانی در میان فرماندهان جبهه مقاومت بود. حس کردم این همان فردی است که می‌تواند الگویی ملموس و خوبی برای جوانان باشد؛ فرمانده‌ای که مسیر زندگی‌اش گویای این است که گرفتار هر شرایطی هم که شده باشیم در نهایت راه بازگشت و مسیر موفقیت باز است.

کنجکاو‌تان درباره گروه فاطمیون، شما را به این فرمانده رساند؟

کنجکاو از مشخصه‌های بارز یک مستندساز و عکاس است، اینکه سوره‌ها و افراد را زوایای مختلفی ببیند، سوره‌هایی که شاید بسیاری از آدم‌ها به سادگی از کنارشان بگذرند. البته نحوه پرداخت هم مهم است. در سوریه مستندسازان زیادی را دیدم که آمدند، مصاحبه کردند و رفتند بی‌آنکه برای جلب توجه مخاطب کاری کنند. این در صورتی است که ذهن کنجکاو، آدم را به پرورش سوره و آواز می‌کند. بی‌شک در گروهی همچون فاطمیون سوره‌ها و افراد خاصی هستند که می‌توان زندگی‌شان را به قالب‌های مختلف از جمله کتاب و حتی فیلم سینمایی برد.

در مقدمه کتاب نوشته‌اید به عنوان مستندساز قدم به فاطمیون می‌گذارید و بعدتر هم مسئول رسانه‌های این لشکر می‌شوید. چه ویژگی خاصی در

+ سلیمان از آن نام‌های مشهور در سوریه و منطقه نبرد با تکفیری‌ها است. طی عملیات‌های مختلف موفقیت‌های زیادی کسب کرد که هر کدام سوره‌ای خاص هستند، ضمن آنکه به قول شما گذشته متفاوتی داشته که می‌کوشیده است آن را مخفی کند؛ بعضی‌ها که درباره‌اش می‌دانستند به دیگران تذکر می‌دادند که مراقب باشند جلوی خودش چیزی نگویند

عبدالصمد شما را به او رساند؟ آیا بحث گذشته‌اش در میان بوده و اینکه آن پسر قلدر و چاقوکش گلشهر مشهد به سلیمان، فرمانده اثرگذار فاطمیون، تبدیل می‌شود؟

سلیمان از آن نام‌های مشهور در سوریه و منطقه نبرد با تکفیری‌ها است. طی عملیات‌های مختلف موفقیت‌های زیادی کسب کرد که هر کدام سوره‌ای خاص هستند، ضمن آنکه به قول شما گذشته متفاوتی داشته که می‌کوشیده است آن را مخفی کند؛ بعضی‌ها که درباره‌اش می‌دانستند به دیگران تذکر می‌دانند که مراقب باشند جلوی خودش چیزی نگویند. این مخفی‌کاری عطش‌م را بیشتر می‌کرد که چکار کنم سلیمان راضی شود درباره گذشته‌اش صحبت کند.

آقای مجاهد چرا بخش قابل توجهی از کتاب را به گذشته تاریخ زندگی

عبدالصمد و دورانی که به ملای کاشانی مشهور بوده است اختصاص داده‌اید؟
خب من برای اینکه راضی شود درباره گذشته‌اش بگوید حدود ۶ سال زمان صرف کردم. به نظرم سلیمان یکی از همان الگوهای نزدیک به زندگی واقعی است، یکی از همان آدم‌هایی که شبیهش را دیده‌ایم. نکته مهم دیگری که بخشی از پاسخ همین سؤال‌تان را شامل می‌شود مسئله‌ای است که تا به امروز درباره‌اش چیزی نگفتم. اینک «دوربرگردان» فقط درباره زندگی عبدالصمد نیست؛ گریزی به چهل سال حضور مهاجرین افغانستانی در ایران نیز هست. به همین منظور در گفت‌وگوهایی که با سلیمان برای «دوربرگردان» انجام داده‌ام او را با سؤالاتی درباره وضعیت افغانستانی‌های مهاجر جهان سال حضور مهاجرین افغانستانی در ایران نیز هست. به همین منظور در گفت‌وگوهایی که با سلیمان برای «دوربرگردان» انجام داده‌ام او را با سؤالاتی درباره وضعیت افغانستانی‌های مهاجر جهان سال حضور مهاجرین افغانستانی در ایران نیز هست. در حدود نیمی از کتاب ضمن مواجهه با یک خط داستانی

ادامه در صفحه ۲۰